

زندگی و زمانه شیخ محمدحسین یزدی ندوشنی

علی اکبر جعفری ندوشن^۱

چکیده

شیخ محمدحسین یزدی ندوشنی در خانواده‌ای روحانی، در ندوشن یزد به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی خود را در حوزه اصفهان آغاز کرد و سپس به سامرا مهاجرت کرد تا از محضر میرزای شیرازی بهره ببرد. پس از اخذ درجه اجتهاد، برای تدریس علوم دینی در نجف اشرف اقامت کرد. با آغاز مشروطیت در زمره فقهای مبارز و مشروطه‌خواه درآمد. او از نمایندگان نخستین ادوار مجلس شورای ملی بود و به پشتوانه دانش فقهی و بینش سیاسی‌اش در بنیان‌گذاری دیدگاه‌های فقهی و حقوقی نظام سیاسی برآمده از جنبش مشروطیت نقش مؤثری داشت. زندگی این فقیه مشروطه‌خواه یزدی حاکی از زهد و پارسایی و تلاش در اصلاح امور مردم است. او به سبب حضور مؤثر در نهضت مشروطیت و سپس مجلس قانون‌گذاری نقش مؤثری در تدوین اولین قانون اساسی و قوانین نهادساز حقوقی نظیر قوانین عدلیه و بلدییه و ... داشت که با تأکید به نظارت شرعی علمای طراز اول بر روند قانون‌گذاری همراه بود. در این مقاله به استناد مدارک و اسناد تاریخی به روش تحلیلی و توصیفی، به تبیین زندگی سیاسی و اجتماعی شیخ حسین یزدی، به‌عنوان فقیهی قانون‌گذار پرداخته‌ایم که در نظام مشروطه بر اساس گفتمان فقه و اصول امامیه می‌کوشید ضمن صیانت از موازین شرع در زمینه قانون‌گذاری، سازه‌های نظام حقوقی نوین را نیز بر پایه سنت حقوقی ایران استوار کند.

واژگان کلیدی: شیخ حسین یزدی، ندوشن، مشروطیت، مجلس



مقدمه

تاریخ تحولات سیاسی معاصر نشان می‌دهد که برخی از علمای دینی، به‌ویژه در نهضت مشروطیت که از نقاط عطف تاریخ ایران است، نقش بسیار مهمی داشتند؛ بنابراین بررسی زندگی شیخ حسین یزدی، مجتهد مشروطه‌خواه و نماینده ادوار نخست مجلس شورای ملی، از نظر تأثیرگذاری در روند پیروزی نهضت مشروطیت و سپس تصویب و تبیین نخستین قانون اساسی و قوانین بنیادین ایران، پس از مشروطه و تأسیس نهادهای حقوقی برآمده از این نهضت از نظر تاریخی اهمیت بسیاری دارد که از مطالعه و بررسی همه‌جانبه مورخان دور مانده است.

تاکنون فصل کوتاهی با عنوان «مشروطه در اندیشه سیاسی شیخ حسین یزدی» در کتاب **مفاهیم قدیم و اندیشه جدید** (آبادیان، ۱۳۸۸: ۲۹۱) آمده که ناظر به اندیشه سیاسی و دیدگاه‌های مشروطه‌خواهی شریعت‌محورانه اوست. همچنین مقاله «شرحی بر رساله تفسیر اصل دوم متمم قانون اساسی از شیخ محمدحسین یزدی»، در ویژه‌نامه تاریخ مجلس، مجله بهارستان، منتشر شده که بدون اشاره به ابعاد زندگی او، با انتشار سند تاریخی لایحه تفسیری شیخ، به شرح مفاد آن پرداخته است (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۴۱).

در این مقاله، با روش توصیفی و تحلیلی مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و اسناد و مدارک تاریخی کوشیده‌ایم ضمن پرداختن به زندگی خانوادگی، علمی و سیاسی این مجتهد قانون‌گذار، نقش او را در نهضت قانون‌خواهی و مشروطیت و نخستین تجربه‌های مجلس ایران بیان کنیم.

۱. زادگاه جغرافیایی

شیخ محمدحسین یزدی، در ۱۲۳۳ش، در ندوشن یزد به دنیا آمد. ندوشن شهری کوچک و قدیمی است که در صد کیلومتری غرب یزد قرار دارد و در سده‌هایی از دوران تاریخ میانه ایران، به‌ویژه در دوران آل مظفر، از نظر فرهنگی اجتماعی رونق داشته و شکوفا بوده است.

امیر مبارزالدین محمدبن مظفر، مؤسس سلسله آل مظفر، ابتدا از سوی ایلیخان مغول به‌عنوان راهدار میبد - ندوشن منصوب شد. او در واقع راهدار راهی بود که از یک‌سو ندوشن را به ابرقو و فارس و از سوی دیگر به میبد و طبس و سرانجام خراسان می‌رساند و



زندگی و زمانه شیخ محمدحسین یزدی ندوشنی

این دیار را مرکز ثقل جادهٔ باستانی ایالت های بزرگ خراسان - پارس می ساخت. در آن دوران امیر مبارزالدین، چند عمارت و بنای مذهبی را در این شهر احداث کرد و در عمران و آبادانی آن کوشید. برخی از آثار ماندگار تاریخی این ناحیه، حاصل همت این امیر محتسب مزاج و شریعت مدار خواجه حافظ است؛ به گونه ای که حتی کالبد تاریخی به جامانده از شهر نیز عمدتاً یادگار دوران ایلخانی است. بناهای قدیمی با کتیبه ها و سردرهای مرقع، منبرها و رحل های چوبین حکاکی شده و کتابها و قرآن های خطی نیز از یادگارهای آن دوران پررونق این ناحیه هستند. مسجد جامع ندوشن که به گواهی منبر چوبی و منبت کاری شدهٔ نهصد ساله اش، نزدیک یک هزاره از عمرش می گذرد و بناهای تاریخی دیگری چون مسجد آمنه گل و برج و باروهای متعدد و قلعه ها و بقعه های تاریخی گوناگون ... نیز بیانگر مدنیت این شهر تاریخی هستند (جعفری ندوشن، ۱۳۹۸: ۳).

کهنگی و ریشه داری آداب و رسوم این شهر کهن سال که گاهی رگه هایی از سنن خالص و دست نخورده ایرانیان گذشته را به نمایش می گذارد، حکایت زیست بومی است که دور بودنش از گزند حوادث ایام آن را قدری بکر و اصیل نگه داشته است؛ بنابراین آثار تاریخی و تمدنی آن اعم از بناها و مکانها، صحف و کتیبه تا آداب و رسوم پُر از حکمت و اندرز پیشینیان، گنجینه ای از فرهنگ عامهٔ این بوم و بر را فراهم ساخته است که در کنار آثار به جامانده از رجال نامداری از علما و عرفای پیشین نظیر امام الدین علی قاضی، سلطان حسین فاضل، زین الدین علی خاموش و ... تا دانشمندان نامی متأخر همچون دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن به این شهر و جاهتی فرهنگی تاریخی بخشیده است.

پاسداشت دین و دانش در این دیار از گذشته های دور معمول بوده و مکتب خانه های فراوانی بر پا شده است تا آموزش قرآن و حدیث بدهند یا حکمت های گلستان سعدی برای کودکان بخوانند و به آنها بیاموزند. شاید از همین رو بود که یکی از نخستین دبستان های نوین ایرانی را نیز در میان روستاهای متعدد ایران، در اوایل سدهٔ چهاردهم شمسی، در اینجا به نام «حکیم ناصر خسرو قبادیانی» بنیان نهاده اند و از آن تاریخ تاکنون دانشی مردان و زنان فراوانی از آن برخاسته اند که شهرت علمی و فرهنگی شان سراسر ایران زمین را دربر گرفته است.



۲. خاستگاه خانوادگی

شیخ حسین یزدی در خانواده‌ای روحانی به دنیا آمد. پدرش، ملا علیرضا و پدر بزرگش، حاج محمدابراهیم بن حاج ملا علیرضا، فرزند حاج جلال‌الدین بن حاج ملا جعفر بود که پدر صاحب‌نامش، حاج ملا جلال ندوشنی^۱، سرسلسله روحانیان اهل فضل و کمال ندوشن محسوب می‌شد. این خاندان در سده دوازدهم و سیزدهم شمسی زعیم دینی مردم محسوب می‌شدند.

ملا علیرضا حافظ و کاتب مصحف شریف بود که آثارش در مسجد قلعه ندوشن موجود است. بنیان‌گذاری مسجد مذکور را نیز به او نسبت داده‌اند. زیلوهایی با تاریخ ۱۲۸۵ق و به نام او بر تمام مساجد این شهر وقف شده است که از تمکن و تعلق دینی او حکایت دارد. او علاوه بر شیخ حسین فرزند دیگری به نام «ملا محمد» داشت که ملقب به «خادم‌الشریعه» بود و سمت امامت جمعه ندوشن را داشت، اما در پی رویارویی با خوانین، در ۱۲۸۳ش، توسط جلال‌الدوله، حاکم یزد، به قتل رسید (وبگاه فرهنگ ندوشن، ۱۴۰۱).

از فرزندان ملا محمد، شیخ محمدرضا و شیخ محمدحسن جلالی، به کسوت روحانیت درآمدند و به ترتیب در ندوشن و هفت‌هر، محل رجوع مردم در امور شرعی و اجتماعی بودند. این دو برادرزاده شیخ حسین در سفر به عتبات، عموی خود را به خون‌خواهی پدرشان، ملا محمد، تشویق و به تدریج زمینه مهاجرت شیخ حسین از عتبات به تهران را فراهم کردند تا او که به هدف دادخواهی قتل برادرش راهی ایران شده بود، کم‌کم در صف مخالفان و مبارزان علیه حکومت قاجار درآید و با برپایی مشروطه و سپس فروپاشی قاجار با حضور در مجلس و عدلیه، سرچشمه خدمات بسیاری شود. در سال‌هایی که شیخ حسین یزدی متصدی امور سیاسی و قضایی بود، برادرزادگانش به‌منظور پیگیری امور اداری ندوشن از او یاری می‌طلبیدند که از جمله می‌توان به معافیت‌های مالیاتی مرتع‌داران ندوشن یا تأسیس نخستین دبستان روستایی در این ناحیه اشاره کرد.

شیخ حسین یزدی که در همان عنفوان جوانی برای تحصیل حوزوی از ندوشن به



۱. از این رو نام خانوادگی شیخ حسین نیز «جلال‌الدین» بود که به «یزدی ندوشنی» تغییر یافت، ولی همه پسرعموهای او با نام خانوادگی «جلالی ندوشن» شناخته می‌شوند.

زندگی و زمانه شیخ محمدحسین یزدی نودوشنی

اصفهان رفته بود، در ادامه تحصیل راهی عتبات عالیات شد و در همان جا با دختر شیخ جعفر الهی و از نوادگان ملا احمد نراقی ازدواج کرد. هنگامی که آنها به تهران مهاجرت کردند، شیخ به صف مشروطه خواهان پیوست و همسرش با عضویت در انجمن حریت زنان و در کوران مخالفت هایی که با تأسیس مدرسه های دخترانه صورت می گرفت، توانست به پشتوانه و حمایت شیخ حسین که آن زمان از روحانیون مجتهد تهران محسوب می شد، یکی از نخستین مدارس مخصوص دختران به نام «عفتیه» را در ۱۲۸۹ بنیان گذارد. یکی از پژوهشگران تاریخ معاصر درباره او آورده است که او که در آن سالها «صفیه یزدی» نامیده می شد، به سبب سخنرانی های جسورانه اش در مورد حقوق و آزادی های زنان، شهرت بسیاری یافت (آفاری، ۱۳۷۷: ۲۴۹).



فقلان مشروطه خواه یزدی در سیزده فروردین ۱۲۹۲، ردیف اول از راست به ترتیب: فرخی یزدی، دکتر مرتضی یزدی، آثاری زاده، شیخ حسین یزدی، سیدابوالحسن حائری زاده، محمد یزدی، جلال رشیقی فیروزآبادی

محمد و مرتضی یزدی، پسران شیخ حسین، بودند که در نجف به دنیا آمدند و نخست آموزش حوزوی دیدند، اما هریک با مهاجرت پدرشان به تهران سرنوشتی دیگری یافتند. فرزند ارشد او، شیخ محمد یزدی، مدیر باتجربه ای در دستگاه قضایی و به تدریج از مدیران شناخته شده ثبت اسناد شد. او در ۱۳۲۰ش با برادرش و سلیمان میرزا اسکندری و ... حزب

توده را بنیان نهادند، اما خیلی زود از حزب کناره گرفت و به وکالت دادگستری مشغول شد. پسر دوم شیخ حسین یزدی، دکتر مرتضی یزدی، پس از اخذ دیپلم دارالفنون و تحصیل در مدرسه طب، در ۱۳۰۰ش، با دریافت بورس تحصیلی برای ادامه تحصیل در علم طب روانه آلمان شد. مرتضی یزدی ضمن ازدواج و تحصیل در آنجا به جراحی زبردست تبدیل شد؛ به گونه‌ای که دولت آلمان چندین مرتبه به خاطر عمل‌های جراحی سخت از سوی او، پرچم ایران را در بیمارستان محل خدمتش به اهتزاز درآورد. دکتر یزدی که در اوان جوانی به واسطه پدر مشروطه‌خواهش به منزل وکیل شجاع یزد، میرزا محمد فرخی، رفت و آمد داشت و یک‌بار به سبب پخش اعلامیه جنگلی‌ها دستگیر شده بود، در آلمان با گروه سوسیالیست‌های جوان ایرانی و دکتر تقی ارانی آشنا شد و هنگام بازگشت به ایران از سوی شهربانی به سبب ارتباط‌های سیاسی و در ارتباط با پرونده پنجاه‌وسه نفر بازداشت شد. او پس از شهریور ۱۳۲۰ و آزادی از زندان به همراه دیگران دوستان و برخی شاگردان ارانی و به پشتوانه اعتبار سلیمان میرزا اسکندری حزب توده را بنیان نهادند. دکتر یزدی در کابینه ائتلافی حزب توده با قوام‌السلطنه به وزارت بهداری رسید و از سران حزب توده محسوب می‌شد. او در جریان ترور نافرجام شاه در نیمه بهمن ۱۳۲۷ش، با گروهی از رهبران حزبی دستگیر و به مدت یک سال به یزد تبعید شد. سپس به زندان قصر در تهران منتقل شد. او در دوره زمامداری رزم‌آرا همراه با برخی زندانیان توده‌ای از زندان قصر گریخت، ولی پس از کودتای ۲۸ مرداد دوباره دستگیر و این بار به اعدام محکوم شد، اما محمدرضا شاه که روی کار آمدن خاندان پهلوی را مدیون تلاش‌های شیخ محمدحسین یزدی در مجلس مؤسسان اول می‌دانست، با میانجیگری سید ضیا طباطبایی و ابراهیم حکیمی، او را مورد عفو قرار داد. سرانجام دکتر یزدی پس از سال‌ها زندان و شکنجه‌های سخت، در اوایل دهه چهل آزاد و از حزب توده نیز جدا شد. او از آن پس برای آزادی پسرانش، حسین و فریدون، که به جرم جاسوسی از حزب توده در زندان آلمان شرقی محبوس بودند، کوشید. پس از آزادی فریدون با تأکید شاه ایران پیش از سفرش به آلمان، حسین یزدی هم در ۱۳۵۶ش آزاد شد. دکتر یزدی پس از آن با تحمل عوارض پارکینسون که ناشی از سال‌ها زندان و شکنجه بود؛ در تهران مطبی داشت و به طبابت مشغول بود؛ تا اینکه در ۱۳۶۱ش از



زندگی و زمانه شیخ محمدحسین یزدی ندوشنی

دنیا رفت. سرنوشت دکتر یزدی و فرزندانش در مقایسه با زندگی و مرام سیاسی و اجتماعی پدرش، شیخ حسین یزدی، بیانگر تغییر و تحول جدی سه نسل این خاندان است که در جای خود قابل مطالعه است (شفیع نورمحمدی، ۱۳۹۰، ۲۵۲، ۲۵۱، ۱۶۸، الهی، ۱۳۹۸: ۲۹۱ و آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۳۴۶).

۳. تحصیلات حوزوی

شیخ حسین یزدی پس از تحصیلات مقدماتی در زادگاهش، به اصفهان رفت تا در درس آیت‌الله شریعت اصفهانی شرکت کند. او پس از چند سال عازم کربلا شد و در درس آیت‌الله حاج میرزا حبیب‌الله رشتی شرکت کرد، اما آوازه درس مرجع بزرگ شیعیان، میرزای شیرازی، او را راهی سامرا کرد و در آنجا نزد این مرجع بزرگ شیعیان به درجه اجتهاد رسید (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۶۲: ۱۴۰).

شیخ حسین با درگذشت میرزای شیرازی به شوق مکتب آخوند خراسانی به حوزه نجف رفت و بیش از ده سال به درس و بحث فقهی مشغول بود، اما وقتی خبر شهادت برادرش، ملا محمد خادم الشریعه، که توسط جلال‌الدوله، حاکم یزد، مسموم شده بود به او رسید، به تظلم و دادخواهی راهی دارالحکومه تهران شد و ضمن دادخواهی که به عزل حاکم مزبور منجر شد، در آنجا در مدرسه‌های علمیّه سپه‌سالار و مروی به تدریس فقه و اصول مشغول گردید (کاظمینی، ۱۳۸۳: ۱۵۹۷).

شیخ حسین ذهنی نکته‌سنج و حافظه‌ای قوی داشت. او مجتهدی ثقه و صاحب فتوا در پایتخت محسوب می‌شد و طلاب و روحانیون در امور فقهی به او مراجعه می‌کردند؛ به‌گونه‌ای که حتی فلسفی، واعظ شهیر، نیز جواز منبر و نقل حدیث خود را از او گرفت (دوانی، ۱۳۸۲: ۸۰).

او در سال‌های پایانی عمرش، حاصل سال‌ها تدریس و تحقیق خود را در موضوع‌های فقهی و اصولی فصل‌بندی کرد و به کتابخانه مدرسه سپه‌سالار، مدرسه عالی شهید مطهری کنونی، سپرد.

۴. فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی

شیخ حسین یزدی هم‌زمان با مبارزات مشروطه‌خواهان، به جرگه علمای مشروطه‌خواه



که اغلب همدردان او در مکتب میرزای شیرازی بودند، پیوست و با پیروزی نهضت مشروطیت در دوره نخست مجلس شورای ملی به نمایندگی علمای تهران در ۱۷ شعبان ۱۳۲۴ش، برابر با ۱۷ مهر ۱۲۸۵ق، وارد مجلس شد. نقش او به عنوان یکی از مجتهدین حاضر مجلس در تصویب قانون اساسی و به ویژه متمم آن حائز اهمیت بود. هنگامی که مجلس دوره اول در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ش، برابر با ۲ تیر ۱۲۸۷ق، به دستور محمدعلی شاه و توسط قزاق‌های تحت فرماندهی لیاخوف روسی به توپ بسته شد، شیخ حسین یزدی با جمع دیگری از نمایندگان دستگیر و با میانجیگری و تلاش برخی علما و بازاریان آزاد شد.

او در دوره‌های دوم و سوم مجلس هم نماینده تهران در مجلس شورای ملی بود و در دوره دوم سعی بلیغی در تصویب پاره‌ای از قوانین مالی داشت. نظریات شیخ حسین در جناح اعتدالیون که به جرح و تعدیل دیدگاه‌های نمایندگان جناح دموکرات‌ها می‌انجامید، به ویژه در پیگیری، تبیین و تثبیت اصل دوم متمم قانون اساسی، موسوم به «اصل طراز»، در این دوره مجلس اهمیت بسیاری دارد. او در رابطه با چگونگی اجرای اصل طراز و نظارت مجتهدین طراز اول بر مصوبه‌های مجلس، لایحه‌ای تدوین کرد و همواره در مجلس برای تفسیر و اجرای اصل مزبور می‌کوشید (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۴۱).

دوره سوم مجلس در ۱۴ آذر ۱۲۹۳ش، پس از سه سال فترت افتتاح شد و به دلیل وقوع جنگ جهانی اول بیش از یک سال دوام نیاورد. شیخ حسین در این دوره ادای سوگند را مشروط بر این کرد که وضع جسمی خود را برای نمایندگان توصیف کند. او پس از کودتای ۱۲۹۹ش همراه با مدرّس، فرّخی یزدی و ملک‌الشعراى بهار بازداشت شد. سپس همراه مدرّس تا پایان دولت سید ضیاءالدین طباطبایی، در قزوین، در تبعید بود (بهار، ۱۳۹۲: ۱۹).

شیخ حسین یزدی در ۱۳۰۴ش با روی کار آمدن سردار سپه، همچون اغلب علمای مشروطه خواه به منظور خروج دولت مشروطه از بن بست ناکارآمدی و تشتت و دفع شرّ جمهوری خواهی رضاخان که آن را با جمهوری لائیک آتاتورک یکسان می‌دانستند (فیرحی، ۱۳۹۴: ۴۱۱)، با تبدیل سلطنت قاجار به پهلوی همراهی کرد؛ به گونه‌ای که در مقام ریاست



زندگی و زمانه شیخ محمدحسین یزدی ندوشنی

سنی مجلس مؤسسان، در تجدیدنظر اصول ۳۶، ۳۷ و ۳۸ متمم قانون اساسی که به انتقال سلطنت از قاجار به پهلوی منجر گردید، نقش مؤثری داشت^۱ (جعفری ندوشن، ۱۳۸۶: ۹۸).

او در ۱۳۰۶ش با سمت حاکم شرع با رتبه ۹ قضایی در عدلیه نوین حضور می‌یافت و به‌عنوان رئیس محکمه شرع که برخلاف گذشته زیر نظر دادگستری بود، بر صدور آرای قضایی شرعی نظارت داشت. حضور در گروه‌های مختلف تدوین قوانین، به‌ویژه کمیسیون عدلیه در ادوار مختلف مجلس شورای ملی از یک‌سو و ارتباط نزدیکی که با حوزه علمیه قم، به‌سبب دوستی و هم‌درسی با حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی داشت (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۶۲)، موجب شد او نقشی ممتاز در تقریب دیدگاه‌های عرفی و شرعی حاکم بر نظام قانون‌گذاری کشور ایفا کند و از رجال مؤسس مجلس قانون‌گذاری ایران به شمار آید که در بنیان بسیاری از سنت‌ها و نهادهای مجلس مؤثر بود؛ به‌گونه‌ای که حتی املاک عمارت بهارستان نیز به وکالت از نمایندگان توسط او خریداری و وقف مجلس شورای ملی شد (حاجی عباسی، ۱۳۸۳: ۲۹).

شیخ حسین یزدی در عین تقید دینی و تسلط شرعی بر امور، ذهنی روشن و نکته‌سنج داشت. شیخ مرتضی حائری یزدی به نقل از پدرش، حاج شیخ عبدالکریم حائری، می‌گوید: «روزی آقای شیخ حسین یزدی معروف، با مرحوم پدرم، آقای آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم، در نزد مرحوم میرزای شیرازی بزرگ نشسته بودند. مرحوم میرزا راجع به استیجار [اجیر شدن برای ادای تکالیف شرعی میّت] شخصی که در مجلس آمده بود و تقاضای صلاة و صوم داشت، برای صلاة و صوم اموات از پدرم سؤال می‌کند و توثیق می‌خواهد. مرحوم پدر می‌گوید: من نمی‌شناسم و توثیق نمی‌کنم. مرحوم میرزا از آقای شیخ حسین سؤال می‌کند. شیخ حسین به میرزا عرض می‌کند: حضرت آقا بدهید! بدهید! وقتی که از مجلس خارج شدند، مرحوم پدرم به آقای شیخ حسین می‌گوید: آیا شما این مرد را می‌شناختی و

۱. یکی از اعضای آن مجلس در خاطرات خود آورده است: «شیخ حسین یزدی از روحانیان و علمای آزادی‌خواه و روشن‌فکر صدر مشروطیت که تقریباً هفتادسال داشت به ریاست سنی مجلس معین گردید و من که از جوان‌ترین اعضا بودم، به منشی‌گری برگزیده شدم و چون رئیس سال‌خورده گوشش سنگین بود، به‌ناچار قسمت عمده کار جلسه اول که چند ساعت به طول کشید، بر عهده من قرار گرفت» (صدیق، ۱۳۳۸: ۲۶۷).



می دانستی که نمازها را می خواند؟ آقای شیخ حسین گفت: والله اگر یک رکعت از نمازها را بخواند! والله اگر نمازهای این مرد بر فرض خواندن به روح آن مرده اثری داشته باشد! آن مرد متوقفاً نمازهای خود را نخوانده، کجا این نمازها مؤثر خواهد بود؟! پدرم می گوید: من گفتم. پس چرا گفتی بدهید؟! آقای شیخ حسین در جواب گفت: آقا جان! خدا ارحم الراحمین است و می خواسته بدین وسیله دستگیری از فقرا و ضعفا بشود و بدین وسیله نیز نتیجه حاصل و دستگیری می شود، و این مرد، مرد بیچاره و فقیری بود، گفتم به او بدهید.» (حسینی طهرانی، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

در مورد روشن اندیشی شیخ حسین یزدی و فتوهای کارگشای او در امور مستحدثه، به ویژه در مواجهه با ابزارها و نهادهای مدرن نقل قول های بسیاری شده است، از جمله فتوای وجوب تحصیل دختران و تأسیس مدرسه های دخترانه، موجب شد تا همسر و دختران خود را نیز علاوه بر تحصیل به تأسیس و مدیریت مدرسه های دخترانه تشویق کند. همچنین آرای فقهی او در مورد استفاده از گرامافون و دوربین عکاسی و ... شهرت دارد (بقایی، ۱۳۸۲: ۵۳).

بسیاری از معاصران شیخ حسین او را به زهد و پارسایی توصیف کرده اند؛ به گونه ای که منقول است او در مقام نماینده مجلس و حاکم شرع حاضر به دریافت حقوق نشد (مدرسی، ۱۳۸۴: ۲۹۴) و تمام دارایی خود را به سازمان شیر و خورشید ایران بخشید تا صرف خرید ساختمانی برای مداوای بیماران شود. مرتضی یزدی، فرزند شیخ حسین، در شرح حال دوران کودکی خود نوشته است: «ما در خانه هرروز غذای گرم نداشتیم. در تمام مدت سال، حتی فصل زمستان، تنها پاپوش من گیوه های یزدی بود که از ندوشن عموزاده ها می فرستادند و چون امکان رفتن به مدرسه در میان گل و برف با گیوه نبود، آنها را از پای درآورده، زیر بغل گذارده، پای برهنه به مدرسه می رفتم و برمی گشتم و در حوض مدرسه یا خانه ابتدا پاها را از گل شسته، گیوه ها را پا می کردم، البته این فقط یک نمونه است و به طور مثال ذکر نمودم تا از آن نمونه پی ببرید تا چه اندازه زندگی ما فقیرانه بوده است. پدرم پس از مرگ یک خانه شخصی نداشت که مادرم در آنجا زندگی کند.» (شفیع نورمحمدی، ۱۳۹۸، ۲۵۲).

شیخ حسین یزدی سرانجام در ۱۳۱۱ش از دنیا رفت و در حرم حضرت عبدالعظیم به



خاک سپرده شد (کاظمینی، ۱۳۸۳: ۱۵۹۷).

۵. شیخ حسین یزدی و مشروطیت

شیخ حسین یزدی فقیهی بود که نزد میرزای شیرازی به درجه اجتهاد دست یافت و پس از درگذشت این مرجع بزرگ در کنار بزرگان نام‌آوری چون آخوند خراسانی و میرزای نائینی در مکتب فقهی نجف به تحقیق و تدریس اهتمام داشت. در آغاز مبارزات علمای مشروطه خواه تهران که اغلب شاگردان میرزای شیرازی و هم‌دوره‌ای‌های او محسوب می‌شدند، به عنوان نماینده آیات ثلاث به تهران مهاجرت کرد و به صف مشروطه خواهان پیوست و در برهه‌های مختلف این نهضت از جمله مهاجرت صغیر شرکت داشت که با تعطیلی درس و تحصن با سایر علما در حرم عبدالعظیم همراه بود (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۹۸: ۲۸۴). پس از این واقعه شیخ حسین یزدی به همراه ۲۵ نفر از روحانیون فعال در تحصن، توسط عین‌الدوله تحت تعقیب قرار گرفت (کاظمینی، ۱۳۸۳: ۱۵۹۷) که خود مقدمات مهاجرت کبری را فراهم کرد و سرانجام به صدور فرمان مشروطیت انجامید.

با پیروزی نهضت مشروطیت، شیخ حسین یزدی که از مبارزان شناخته شده آن محسوب می‌شد، ابتدا به عضویت انجمن نظارت بر انتخابات مرکزی حوزه تهران برگزیده شد و سپس به اصرار علما به نمایندگی از آنان وارد مجلس شورای ملی شد که تا دوره سوم مجلس ادامه داشت. حضور متوالی در مجلس و چالش‌های نظری که بر سر تصویب قانون اساسی و قوانین دیگر درمی‌گرفت، موجب تأملات و تقریراتی در مبانی و آثار مشروطیت از ناحیه او شد که در نطق‌ها و مقاله‌هایی که از او برجای مانده، تبلور یافته است. او در پرتوی مطالعات فقهی و اصولی خویش به امکان‌سنجی این اندیشه حکمرانی نوین و بومی‌سازی نهادهای برآمده از آن پرداخت و در این راه همگام با علمای دیگر چون میرزای نائینی و ... به بنیان فقه سیاسی دولت مشروطه یاری رساند.

در جامعه سنتی ایران به سبب عدم تبیین مبانی و مفاهیم اساسی مشروطیت، درک واحد و واضحی از این واقعه حقوقی سیاسی جدید وجود نداشت. شیخ حسین یزدی بر پایه موقعیت ممتاز فقهی و اصولی خویش و وجهت سیاسی اجتماعی ناشی از نمایندگی مردم در مجلس شورای ملی سعی می‌کرد در برابر موج‌های تجدیدطلبانه تقلیدی که با نفی



هرگونه آیین و سنن بومی درصدد پیروی چشم و گوش بسته از غرب با نام مشروطه‌خواهی بودند، مقاومت کند. او در پاسخ به نمایندگانی که مروج این دیدگاه‌های منفعلانه بودند می‌گفت: «گویا تاریخ اروپا را جلو نهاده و وقوع هر حادثه و مذاکره هر مسئله را عیناً نقل به ایران کرده و از روی حوادث اروپا که مبتنی براساس عادات و اخلاق و قوانین محلّیه بوده، نتایج موهومه در ترتیبات آتیه ایران به دست آورده و مثل اینکه فرانسه یا انگلیس حلول در ایران کرده یا مردمان آنجا نقل مکان به این نقطه نموده؛ بدون آنکه یک نقطه از عادات خود را تغییر داده باشند، تواریخ گذشته آنها را تکرار کرده و سرمشق‌های عملیات ما در آینده قرار می‌دهند ... و به محض اینکه یک روزی در یک نقطه از اروپا یک حرفی زده شد یا حرکتی صادر گشته، بی‌درنگ تمنای تجدیدش را در ایران می‌نمایند.» (یزدی، ۱۳۲۸ق: ۳). او ضمن انتقاد از این تقلید بی‌چون‌وچرای برخی متجددین که آن را ناشی از اختلاط مواضع دین اسلام و مسیحیت می‌دانست، صراحتاً «تلقینات کلیسا» را با احکام و موازین «فقه اسلامی» قابل قیاس نمی‌دانست و می‌گفت فقط بخش کوچکی از فقه مربوط به عبادات است و جزء اعظم آن را معاملات و ایقاعات و حدود و دیات و قضاوت تشکیل می‌دهد؛ بنابراین نمی‌توان به قوانین شرعی در مجلس قانون‌گذاری بی‌اعتنا ماند (یزدی، ۱۳۲۹ق: ۲).

البته او در مجلس دوم که منازعات نظری بر سر حدود دخالت دین در مورد قانون‌گذاری بالا گرفت، در مواجهه با نمایندگانی که قائل به تفکیک کامل امور عرفی از مسائل شرعی بودند با تأکید بر مبانی مشروطیت، لازمه نفوذ و دوام قوانین مجلس را اتکای آنها به سنت فقهی و حقوقی جامعه ایرانی که ریشه در مذهب تشیع داشت می‌دانست: «حکومت ملی باید دارای قانونی باشد که اکثریت ملت آن را بپسندد و چون اکثریت ملت ایران احکام اسلام و قانون اساسی را که مشتمل بر آن اصل ابدی است پیرو و خواهان‌اند و به رعایت حقوق مشروطیت و اصول مسلمة حکومت ملی، اقلیت هم ملزم به تقدیس آن است، پس اکثریت مجلس هم احکام شرع و قانون اساسی را باید پیروی نمایند.» (یزدی، ۱۳۲۹ق: ۳).

شیخ حسین یزدی در رویارویی با نمایندگانی که در حزب دموکرات منادی جدایی دین



زندگی و زمانه شیخ محمدحسین یزدی ندوشنی

از سیاست بودند و مشروطه ایرانی را همان مشروطه غربی می‌خواستند، به‌ناگزیر به حزب مقابلش، موسوم به «حزب اعتدالی»، پیوست و در مقام نظریه‌پرداز این جناح اکثریت مجلس به امکان شور کردن در زمینه آموزه‌های اسلام و مشروطیت پرداخت و به تبعیت از مراجع نجف همچون آخوند خراسانی و مازندرانی، هم‌زمان در رویارویی با دو جبهه غرب‌گرایان نافی شرع و متشرعان ضد مشروطه به ترویج گفتمان مشروطه‌خواهی دین‌دارانه پرداخت. این تفاسیر شریعت‌مدارانه از مشروطیت موجب شد تا آخوند خراسانی در مورد این شاگرد خلف خود بگوید: «مخالفت با مجلسی که حاج شیخ حسین یزدی در آن عضویت دارد، در حکم محاربه با امام زمان است.» (کاظمینی، ۱۳۸۳: ۱۵۹۷).

بحث و نتیجه‌گیری

شیخ حسین یزدی ندوشنی در خانواده‌ای مذهبی، در ندوشن یزد، چشم به جهان گشود. او در اصفهان، سامرا و نجف به تحصیل علوم دینی پرداخت. سپس برای مبارزه با حکام قاجار راهی تهران شد. شیخ حسین از مجتهدین مکتب میرزای شیرازی و آخوند خراسانی بود که در میان علما و اهالی پایتخت جایگاه علمی و دینی موجهی داشت. او در صف علمای مبارز و متحصن مشروطه‌خواه و از مدافعان جدی مشروطیت بود؛ بنابراین هنگامی که مجلس با مخالفت‌های سازمان‌یافته مشروطه‌ستیزان روبه‌رو می‌شد با توسل به مراجع نجف و کسب حمایت آنان، به استقرار مجلس مدد می‌رساند. حضور متوالی در مجلس و چالش‌های نظری که بر سر تصویب قانون اساسی و قوانین دیگر درمی‌گرفت، موجب تأملات و تقریراتی در مبانی و آثار مشروطیت از ناحیه او شد که در نطق‌ها و مقاله‌هایی که از او بر جای مانده، تبلور یافته است. او در پرتوی مطالعات فقهی و اصولی خویش به امکان‌سنجی اندیشه حکمرانی نوین و بومی‌سازی نهادهای برآمده از آن پرداخت و در این راه همگام با علمای دیگر چون میرزای نائینی و آخوند خراسانی به بنیان فقه سیاسی دولت مشروطه یاری رساند. شیخ حسین در سه دوره نمایندگی مجلس شورای ملی، هم‌زمان در دو جبهه سنت‌گرایان مخالف مشروطه و تجددگرایان شریعت‌گریز، برای تبیین مبانی فقهی و اصولی نهادها و ابزارهای قانونی برآمده از نظام مشروطیت بسیار کوشید تا در روند



تکامل نظام نوپای مشروطیت، جانب شرع و قانون، همواره، محفوظ بماند و مصوبه‌های مجلس امکان اجرای مؤثر در میان مردم را داشته باشد.



منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- آبادیان، حسین (۱۳۸۸). مفاهیم قدیم و اندیشه جدید (درآمدی نظری بر مشروطه ایران)، تهران: کویر.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۹). ایران بین دو انقلاب، (ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی)، تهران: نشر نی.
- آفاری، ژانت (۱۳۷۷). انجمن‌های نیمه‌سری زنان در نهضت مشروطیت (ترجمه جواد یوسفیان)، تهران: نشر بانو.
- آقابزرگ تهرانی (۱۳۶۲). میرزای شیرازی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- الهی صدرالدین (۱۳۹۸). سید ضیا عامل کودتا، چاپ پنجم، تهران: نشر ثالث.
- بهار، محمدتقی (۱۳۹۲). تاریخ مختصر احزاب سیاسی، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران: امیرکبیر.
- بقایی، مظفر (۱۳۸۲). خاطرات دکتر مظفر بقایی کرمانی در گفت‌وگو با حبیب لاجوردی، تهران: نشر علم.
- جعفری‌ندوشن، علی‌اکبر و زارعی محمودآبادی، حسن (۱۳۸۶). تجدیدنظرهای چندگانه در قانون اساسی مشروطه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حسینی طهرانی، سید محمدحسین (۱۳۸۸). مطلع‌الانوار، جلد اول، تهران: انتشارات مکتب وحی.
- دوانی، علی (۱۳۸۲). خاطرات و مجاهدات حجت‌الاسلام فلسفی، چاپ چهارم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شفیع نورمحمدی، قاسم (۱۳۹۸). جاسوسی در حزب، چاپ چهارم، تهران: جهان کتاب.
- صدیق، عیسی (۱۳۳۸). یادگار عمر، جلد اول، تهران: چاپخانه سازمان سمعی و بصری هنرهای زیبای کشور.
- صدر، محسن (۱۳۶۴). خاطرات صدراالاشراف، جلد اول، تهران: وحید.
- فرزانه، حسین (۱۳۷۲). پرونده پنجاه‌وسه نفر، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.



زندگی و زمانه شیخ محمدحسین یزدی ندوشنی

- فیرحی، داود (۱۳۹۴). **فقه و سیاست در ایران معاصر (فقه سیاسی و فقه مشروطه)**، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.
- کاظمینی، میرزامحمد (۱۳۸۳). **دانشنامه مشاهیر یزد**، جلد اول، چاپ دوم، یزد: بنیاد فرهنگی و پژوهشی ریحانةالرسول.
- مدرّسی، سید جواد (۱۳۸۴). **نجوم السرد بذکر علمای یزد**، یزد: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ناظم الاسلام کرمانی محمدبن علی (۱۳۹۸). **تاریخ بیداری ایرانیان**، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، چاپ هشتم، تهران: پیکان.

ب) مقالات

- ابوطالبی، مهدی (۱۳۸۷). «مشروطه خواهان مشروعه ساز همراهی و همدلی علمای مشروطه خواه نجف با شیخ فضل الله نوری»، **مطالعات انقلاب اسلامی**، سال ۴، شماره ۱۲، ۴۴-۱۱.
- ترکمان، محمد (۱۳۶۹). «سیر تطوّر اصل دوم متمم قانون اساسی در دوره دوم تقنینیه»، **مجموعه مقالات تاریخ معاصر ایران**، شماره ۲، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- جعفری ندوشن، علی اکبر و آفرین توکلی (۱۳۹۹). «بررسی مبانی حقوقی و تاریخی تطوّرات قانون اساسی مشروطه»، **پژوهش های علوم تاریخی**، سال ۱۲، شماره ۳: ۶-۴۷.
- جعفری ندوشن، علی اکبر و حکمتی مقدّم، سیدمحسن (۱۴۰۰). «بررسی سیر تصویب و اجرای اصل طراز در قانون اساسی مشروطه»، **مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۵۱، شماره ۴: ۱۳۵۱-۱۳۶۸.
- حاجی عباسی، سعید (۱۳۸۳). «وقف نامه مجلس شورای ملی»، **وقف میراث جاویدان**، شماره ۴۷ و ۴۸: ۴۵-۳۸.
- یزدی، محمدحسین (۱۳۲۸ق). «مقایسه ممالک یا تقلید بی موضوع»، **روزنامه مجلس**، سال ۳، شماره ۱۱۰: ۲-۵.
- یزدی، محمدحسین (۱۳۲۹ق). «تفکیک قوت سیاست از روحانیت»، **روزنامه مجلس**، سال ۴، شماره ۱۰۲: ۲-۶.
- کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۳). «مهاجرت علما از عراق به ایران و بازگشت آنان به عراق ۱۳۰۳ - ۱۳۰۱ شمسی»، **فصلنامه مطالعات تاریخی**، شماره ۴: ۸۱-۸.
- کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۹). «شرحی بر رساله تفسیر اصل دوم قانون اساسی از شیخ محمدحسین یزدی»، **پیام بهارستان**، دوره ۲، سال ۳، ضمیمه شماره ۱۰، ویژه نامه تاریخ مجلس.



فصلنامه فرهنگ یزد

- مصاحبه با حجة الاسلام والمسلمین دکتر سیدمصطفی محقق داماد (۱۳۸۳). حوزه، دوره ۲۱، شماره ۱۲۵: ۱۴۸-۳۰.

ج) روزنامه‌ها و وبگاهها

- مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره ۳، جلسه ۲۳، صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲۹ شهر جمادی‌الاولی، سنه ۱۳۳۳

- روزنامه مجلس، سال ۳، شماره ۱۳۴، ۲ رجب ۱۳۲۸ ق.

- روزنامه مجلس، سال ۳، شماره ۱۱۰ و ۱۱۱، ۲۶ و ۲۸ ربیع‌الآخر ۱۳۲۸.

- روزنامه مجلس، سال ۴، شماره ۱۰۲، ۲۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۹.

- روزنامه مجلس، سال ۴، شماره ۸۵، جمادی‌الاول ۱۳۲۹

- وبگاه فرهنگ ندوشن، «شیخ حسین ندوشنی»، ۱۳۹۵/۱۰/۱۵ farhangenodoushan.ir



سال سوم، شماره ۱
بهار ۱۴۰۰

The life and historical period of Sheikh Mohammad Hossein Yazdi Nadoushani

Ali Akbar Jafari Nodoushan

Abstract

Sheikh Mohammad Hossein Yazdi Nadoushani, born in a religious family in Nadoushan, Yazd, started his preliminary education in Isfahan province and then travelled to Samarra to understand Mirzai Shirari's experience and after receiving ijtehad, he settled in Najaf Rahal province to teach religious sciences. With the beginning of constitutionalism, he became one of the revolutionary and constitutionalist jurists, and then became a representative of the first periods of the National Assembly, and hence, based on his jurisprudence and political insight, he played an effective role in establishing the jurisprudence and law of the political system that emerged from the constitutionalism movement. The life of this constitutionalist Yazdi jurist shows asceticism and piety, wisdom and effort in reforming people's affairs. Due to his effective presence in the Constitution Movement and then the Legislative Assembly, he played an effective role in drafting the first constitution and legal institution-building laws such as the judiciary and municipality laws, etc. As a legal jurist, he passed the constitutional legislative system through the channel of jurisprudence and Imamiyya principles in order to protect the Islamic standards in the legislation, and to establish the structures of the new legal system on the basis of Iran's legal tradition.

Key words: Sheikh Hossein Yazdi, Nadoushani, constitutionalism, parliament

